

بررسی و مقایسه روند تحولات سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی در سرشماری‌های ۹۰-۱۳۵۵

دکتر اکبر زارع شاه‌آبادی^۱، علی رفعتی^{۲*} و محمدعلی آرمند^۳

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد. a_zare@ yazd.ac.ir

۱. کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)، Alirafati2016@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد armand.ma2012@yahoo.com

چکیده

خانواده، به‌عنوان مهمترین نهاد اجتماعي ازدواج، به‌عنوان مبنای شکل‌گیری این نهاد و مناسک‌گذار افراد از جوانی به بزرگسالی و مهمترین واقعه در زندگی فردی، از حوزه‌های مهم مطالعات مختلف علوم اجتماعی محسوب می‌شوند. هدف اصلی در این تحقیق، بررسی و مقایسه روند تحولات سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی در سرشماری‌های ۹۰-۱۳۵۵ است. روش بررسی در این مطالعه، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری کلیه افراد ازدواج‌کرده ۴۹-۱۵ ساله، در استان‌های یزد، آذربایجان شرقی، لرستان، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان بوده که به ترتیب به‌عنوان اقوام فارس، ترک، لر، کرد، بلوچ و عرب در نظر گرفته شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل آماری، از آزمون‌های F و T استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین قومیت و سن ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، از طرفی، بین تحصیلات و محل سکونت با سن ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین، متوسط سن ازدواج در ایران برای مردان از ۲۴/۲ در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۸ در سال ۱۳۹۰ و برای زنان از ۱۹/۷ سال به ۲۳/۵ سال در این مدت افزایش یافته است.

واژه‌های کلیدی: تحصیلات، سن ازدواج، سرشماری، قومیت، محل سکونت.

مقدمه

از نظریه‌ی اشترواس، ازدواج برخورد دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت است و یکی از مهمترین پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی مربوط به جامعه محسوب می‌گردد که هم متأثر از تحولات جوامع و هم تأثیرگذار بر تحولات خانواده و باروری است. این پدیده موجب تغییرات اساسی در نهاد خانواده و باروری گردیده است. زمان ازدواج به علت ارتباط نزدیک و بلافاصل با باروری به صورت گسترده‌ای موجب توجه جمعیت‌شناسان قرار گرفته است (به نقل از عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۳۴). ازدواج، عرف یا نهادی است که از آن طریق و بر اساس آن مرد و زن برای شرکت دایم در زندگی به هم می‌پیوندند. ازدواج خود مبنای خانواده است و تحت شرایط آن، مرد و زن در اجتماع به طور قانونی می‌توانند فرزند یا فرزندان داشته باشند. تعاریف مختلفی از ازدواج شده است. مالینوفسکی^۱ می‌گوید: «ازدواج قراردادی است برای تولید و بقای نسل». همچنین لوندبرگ^۲ می‌گوید: «ازدواج در برگیرنده قوانین و ضوابطی است که حقوق، وظایف و امتیازات زن و شوهر را در ارتباط با یکدیگر تعریف و تعیین می‌نماید. ازدواج به‌عنوان یک عرف یا نهاد در کلیه اجتماعات به شکلی وجود دارد.» (شیخی، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

درسال‌های اخیر، پدیده ازدواج که منشاء وقوع ولادت و باروری، و به‌عنوان عامل بسیار مؤثر بر ساخت سنی و جنسی جمعیت و افزایش آن محسوب می‌شود، درکشور ما دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. ازدیاد جمعیت دختر و پسر واقع در مدار ازدواج که بیش از یک سوم جمعیت کشور را تشکیل داده‌اند و حاصل افزایش شدید مولیددهه^۳ ۶۰ می‌باشند از یکسو، و از سوی دیگر بازتاب تحولات واقع شده در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، نظیر افزایش شهرنشینی و باسوادی و به ویژه تحصیلات زنان، و تمایل به کسب درآمد و شغل مناسب در قبل از ازدواج که از نشانه‌های حرکت جامعه‌به سوی مدرنیته شدن می‌باشد، افزایش سن ازدواج را در کشور برای دولتمردان و محققین جامعه نگران‌کننده گردانیده است. جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد افزایش قابل توجه سن ازدواج بوده‌اند. این افزایش نخست در کشورهای اروپایی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۲۹). افزایش قابل توجه سن ازدواج زنان و مردان (سن ازدواج بیشتر از سن بلوغ) پس از قرن‌ها تجربه ازدواج زودرس، پدیده‌ای مهم در حوزه تغییرات اجتماعی به شمار می‌رود. ایران نیز همانند سایر کشورهای در حال توسعه، این مسئله را تجربه کرده است. آمارهای مختلف نشان می‌دهد که سن ازدواج برای مردان از ۲۴ سال در سال ۱۳۶۵ به ۲۶/۷ سال در سال ۱۳۸۳ و برای زنان از ۲۰ سال به ۲۳/۹ سال در این مدت رسیده است (مطلق، ۱۳۸۴). درصد افراد ازدواج کرده^۳ ۱۹-۱۵ ساله مرد از ۶/۳ در سال ۱۳۳۵ به ۲/۶ در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. کاهش درصد مشابه برای زنان در دوره مورد نظر از ۴۱/۰ به ۱۷/۹ بوده است (زنجانی و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۹). اما، آنچه که مسلم است، این است که سن ازدواج نه تنها در کل کشور تحولاتی را پشت سر گذاشته، بلکه در نواحی مختلف آن، این پدیده تحولات متفاوتی را داشته به گونه‌ای که استان‌های یزد، آذربایجان شرقی، لرستان، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان هم در این قضیه سهیم بوده‌اند. از آنجایی که تاکنون تحقیق جامعی در زمینه تحولات سن ازدواج با توجه به قومیت کمتر صورت گرفته است؛ بنابراین، در این مطالعه سعی شده تا با در نظر گرفتن استان‌های مذکور به عنوان اقوام فارس، ترک، لر، کرد، بلوچ و عرب تحولات سن ازدواج در اقوام مختلف در سرشماری‌های ۹۰-۱۳۵۵ بررسی شود.

مبانی نظری

ازدواج از طرفی یک نهاد اجتماعی محسوب می‌شود که ورود به آن سازگاری با یک معیار طبیعی و اجتماعی است و از طرف دیگر یک انتخاب منطقی برای کسانی است که برای آنها سود حاصله بیشتر از زمان مجردی است. تئوری‌های بنیادی^۳ ازدواج

1. Malinowski

2. Lundberg

3. Institutional theories

تأکید بر آن دارد که ازدواج، مشابه خانواده توسط ساختاری از رفتارهای طبیعی، ارزش‌ها، قوانین و طیفی از فشارهای اجتماعی حمایت می‌شود (Goode, 1982:11).

در مقابل نظریه اقتصادی ازدواج (Becker:1973,1974,1981)، ازدواج را یک عهد یا توافقی منطقی بین افرادی دانده که از طریق پیوند اقتصادی بین آنها بهره‌وری بیشتری از مستقل بودن حاصل می‌شود. علاوه بر مطالعات جامعه‌شناسی در تئوری اقتصادی نیز مکان شهری و روستایی در سن ازدواج مؤثر است و زنان شهری نسبت به زنان روستایی تمایل بیشتری به داشتن تحصیلات بالاتر نشان می‌دهند و به دنبال آن هستند که حقوق و درآمد مستقل داشته باشند که در ازدواج مؤثر است (Ikamari, 2005).

طبق نظریه ایکیمارا^۴ ایدئولوژی‌ها ترکیبی از هنجارها، اعتقادات و ارزش‌ها و باورهای یک جامعه یا فرهنگ است که بر روی نهادهای اجتماعی و خانواده و نوع نگرش به آنها دخیل می‌باشد. بنابراین، مناطق مختلف و نژادهای گوناگون تفاوت فرهنگی با هم داشته و ایدئولوژی‌های فرهنگی و اجتماعی آنان در مورد ازدواج و زاد و ولد متفاوت است. به طور معمول، گروه‌های نژادی برای توضیح پراکندگی هنجارها، ایده‌ها و باورها در جهت تبیین تفاوت در سن مربوط به ازدواج و بارداری آنها به کار می‌رود و همچنین افزایش شهرنشینی با سن ازدواج مرتبط است و آن هم به دلیل، طبیعت زندگی شهری است. مردمی که در شهرها زندگی می‌کنند نسبت به مردمی که در مناطق روستایی ساکن هستند، در معرض شیوه‌های زندگی متنوع‌تر و کنترل اجتماعی-ضعیف‌تری می‌باشند. در مناطق روستایی، تمایل به ساختارهای نهادی و هنجاری مانند خویشاوندی و خانواده‌های گسترده بیشتر وجود دارند که ازدواج و بچه آوردن را ترغیب می‌نماید. افراد در مناطق شهری نیازمند توسعه مهارت‌ها هستند تا بتوانند یک خانواده را تأمین نمایند، بنابراین ازدواج را تا رسیدن به شرایط آن، به تأخیر می‌اندازند (Ikamari, 2005).

بر اساس تئوری تجدیدگرایی گود، صنعتی شدن جهان سبب شده است که ساختار خانواده در کشورهای در حال توسعه مشابه الگوی اروپایی گردد. افرادی که از سطح اجتماعی بالاتری برخوردارند دیرتر ازدواج می‌کنند؛ زیرا که آزادی بیشتری می‌طلبند. همچنین افرادی که در شهرهای بزرگ دنیا آمده و زندگی می‌کنند، دیرتر از آنهایی که در روستا و شهرهای کوچک زندگی می‌کنند ازدواج کرده، که ممکن است بدلیل تحولات بیشتر در زندگی و کنترل اجتماعی کمتر از شهرهای بزرگ باشد (Goode, 1963).

زمینه فرهنگی و قومی یکی از عوامل مؤثر بر رفتارهای دموگرافی مانند زمان ازدواج می‌باشد (McNicoll 1980, 1985; Greenhalgh 1988, 1995). فرض بر این است که نظام عقیدتی توقعات و انتخابات اعضای اجتماع را شکل می‌دهد و روش‌های رسیدن به آنها از طریق اجتماعی شدن صورت می‌گیرد (Lesthaeghe, 1983, Lesthaeghe and Surkyn, 1988). بنابراین، نقش مستقل قومیت بر زمان ازدواج را می‌توان منسوب به نقش فرهنگ در تأثیرات اجتماعی - اقتصادی و دموگرافی دانست. به عبارت دیگر کسانی که در شرایط فرهنگی متفاوتی قرار دارند، به‌گونه‌ای متفاوت به تغییرات اجتماعی - اقتصادی پاسخگو هستند و قومیت یک عامل شکل دهنده زمینه فرهنگی در ازدواج است.

طبق تئوری همگرایی، مدرنیزاسیون در سطح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می‌گیرد. در بین مهم‌ترین فاکتورهای مدرنیزاسیون، می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار، فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره نمود (آستین فشان، ۱۳۸۰). در جریان مدرنیزاسیون، خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می‌شود. فرایند مدرنیزاسیون با ترجیح خانواده هسته‌ای، فرد محوری در مقابل خانواده محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد، تشکیل خانواده در سنین بالاتر را تشویق می‌کند (محمودیان، ۱۳۸۳ : ۳۴). همچنین فرایند مدرنیزاسیون با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد جامعه همراه است؛ به طوری که در دنیای مدرن امروزی افراد به نگرش‌هایی به خصوص در زمینه انتخاب همسر دست یافته‌اند که دایره انتخاب همسر را محدودتر می‌کند. بنابراین، با تغییر در نگرش‌های خاص از مدرنیزاسیون، سن شروع زناشویی افراد بالاتر رفته و افراد در سنین بالاتری همسر انتخاب می‌کنند.

4. Ikamari

آستین فشان (۱۳۸۰)، نشان می‌دهد، میزان باسواد یوبه ویژه تحصیلات عالی، یک‌یاز مهم‌ترین فاکتورهای مؤثر در بالارفتن سن ازدواج است. ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰)، به این نتایج دست یافت بین سطح تحصیلات و سن ازدواج زنان ارتباط مثبت وجود داشته، اما شهری بودن در مقایسه با روستایی بودن در مجموع تأثیر منفی بر سن ازدواج زنان داشته است. همچنین بین قومیت و سن - ازدواج زنان تفاوت معنی‌دار وجود داشته است.

محمودیان (۱۳۸۳)، به این نتایج دست یافت که شهرنشینی و تحصیلات اثر مستقیمی بر سن ازدواج داشته است. همچنین قومیت در افزایش و کاهش سن ازدواج تأثیر داشته است.

کاظمی پور (۱۳۸۳)، به این نتایج دست یافت که بین سن ازدواج، سواد، تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر و روستا و به طور کلی پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد ارتباط وجود دارد. همچنین نتایج این بررسی نشان داد که سن متوسط ازدواج زنان در ایران طی ۳۶ سال گذشته با تحولات چشمگیری مواجه بوده و از ۱۸/۴ در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۲ در سال ۱۳۸۱ رسیده و به احتمال قوی طی سالهای اخیر (۱۳۸۴ - ۱۳۸۱) بر این رقم نیز افزوده شده، در حالی که سن متوسط ازدواج مردان فقط ۰/۹ سال افزایش یافته (از ۲۵ به ۲۵/۹ سال رسیده) است.

نتایج مطالعات آماری کیلی^۵ (۱۹۷۹)، نشان داد که تأثیر خالص شهرنشینی بر سن مورد انتظار ازدواج مردان و زنان و هم تأثیر تحصیلات مردان و زنان بر سن ازدواج آنها مثبت بوده است.

مطالعات انجام گرفته در شرق آسیا (هیرشمن و ریندفوس ۱۹۸۲، ریندفوس و هیرشمن ۱۹۸۵، هیرشمن ۱۹۸۵ و تاپا ۱۹۸۹) به این نکته اشاره می‌کنند که عامل قومیت، مستقل از سایر عوامل اقتصادی - اجتماعی، تأثیر معنی‌داری بر زمان ازدواج داشته است. همچنین نتایج مطالعات مالهورا و تسوی^۶ (۱۹۹۶) در سری لانکا، تاپا^۷ (۱۹۸۹) در نپال، نیز بیانگر اثر مستقل قومیت بر زمان ازدواج است (به نقل از عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۳۲ - ۳۱).

نتایج مطالعات نگاین^۸ (۲۰۱۲)، نشان داد عوامل مؤثر بر سن ازدواج، شهرنشینی در مقابل روستانشینی، اقلیت‌های قومی، مشغله دولتی در مقابل خصوصی (بدلیل فشارهای اجتماعی)، تحصیلات و شغل کشاورزی بودند.

نتایج مطالعات لانگ وئو^۹ (۲۰۱۲)، نشان داد که عوامل مرتبط با سن اولین ازدواج عبارت از تحصیلات، نوع مسکن، ثروت، سن، محل سکونت و قومیت بودند.

نتایج مطالعات اداریبو^{۱۰} (۲۰۱۲)، نشان داد که تحصیلات، یک عامل بسیار مهم در بالارفتن سن ازدواج در کشور است. همچنین این مطالعه، نشان داد که مذهب و زمینه‌های فرهنگی به اندازه تحصیلات بر سن ازدواج زنان در کوگی و نیجریه تأثیر نمی‌گذارد.

نتایج مطالعات کارمیچل^{۱۱} (۲۰۱۱)، نشان داد که تحصیلات نقشی کلیدی بر سن ازدواج خانم‌ها دارد و اثری مثبت بر سن در اولین ازدواج داشته و اختلاف سن با همسر را کاهش می‌دهد. شهرنشینی، اثر قابل توجه داشته که تأثیر مثبت بر سن و منفی بر اختلاف سن با همسر می‌گذارد؛ ولی این اثر خیلی بزرگ نیست.

روش‌شناسی تحقیق

روش بررسی در این مطالعه، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری در این مطالعه، کلیه افراد ازدواج کرده ۴۹ - ۱۵ ساله، در استان‌های یزد، آذربایجان شرقی، لرستان، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان بوده که در این مطالعه به ترتیب به عنوان اقوام فارس، ترک، لر، کرد، بلوچ و عرب در نظر گرفته شده‌اند. شیوه جمع‌آوری اطلاعات و یافته‌ها بدین صورت است که اطلاعات هر شش استان منتخب، با استفاده از سایت مرکز آمار ایران، کتب و نشریات سرشماری‌های ۹۰ - ۱۳۵۵ به تفکیک

⁵. Keeley

⁶. Malhotra and Tsui

⁷. Thapa

⁸. Nguyen

⁹. Vu L

¹⁰. Adarabioyo

¹¹. Carmichael

جنسیت و مناطق (کل، شهری و روستایی) بصورت خام جمع‌آوری شده و آنگاه با استفاده از روش هاینل که یکی از شیوه‌های رایج برآورد میانگین سن در اولین ازدواج است، سعی شده تا با استفاده از این شیوه، میانگین هر شش استان محاسبه و سپس نتایج حاصله از آنها را در جداول مربوطه درج نمائیم. همچنین از نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل آماری استفاده گردیده است.

یافته‌های تحقیق

همانطور که در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود، در سرشماری ۱۳۵۵، بیشترین میانگین سن ازدواج مربوط به قوم عرب با ۲۲/۴۵ سال و کمترین میانگین را قوم بلوچ با ۲۰/۸ سال داشته است. البته در مناطق شهری هم چنین وضعیتی قابل ملاحظه است؛ یعنی به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین سن ازدواج را نسبت به سایر اقوام، اقوام عرب (۲۳/۳۵ سال) و بلوچ (۲۱/۴۵ سال) بخود اختصاص داده‌اند. اما در مناطق روستایی، بیشترین میانگین سن ازدواج را قوم کرد با ۲۱/۶۵ سال و اقوام بلوچ و ترک با ۲۰/۴۵ سال کمترین میانگین را نسبت به سایر اقوام داشته‌اند. پس در سال ۱۳۵۵، قوم بلوچ، کمترین میانگین سن ازدواج را نسبت به سایر اقوام داشته است. همچنین این شاخص، در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر بوده؛ منتهی تفاوت معنی‌داری بین محل سکونت و سن ازدواج وجود ندارد. آزمون تفاوت نمره میانگین سن ازدواج این اقوام ایرانی را برحسب جنسیت و محل سکونت به خوبی نشان می‌دهد. در این جدول، میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۳/۹۳ و ۱۹/۳۵ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $Sig=0/000$ معنی‌دار بوده است. میانگین سن ازدواج، برای مناطق شهری و روستایی در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۲/۴۵ و ۲۰/۸۵ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $Sig=0/098$ معنی‌دار نبوده است.

جدول ۱. میانگین سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی به تفکیک جنس و محل سکونت - سال ۱۳۵۵.

مناطق جنس	کل			شهری			روستایی		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
فارس (یزد)	۲۱/۴۵	۲۳/۴	۱۹/۵	۲۱/۶۰	۲۳/۸	۱۹/۴	۲۱/۱۵	۲۲/۶	۱۹/۷
ترک (آذربایجان شرقی)	۲۱/۶۰	۲۳/۹	۱۹/۳	۲۳/۰۵	۲۵/۷	۲۰/۴	۲۰/۴۵	۲۲/۴	۱۸/۵
لر (لرستان)	۲۱/۱۰	۲۳/۸	۱۸/۴	۲۲/۱۵	۲۴/۶	۱۹/۷	۲۰/۵۰	۲۳/۳	۱۷/۷
کرد (کردستان)	۲۲/۰	۲۴/۴	۱۹/۶	۲۲/۷۵	۲۵/۳	۲۰/۲	۲۱/۶۵	۲۳/۹	۱۹/۴
بلوچ (بلوچستان)	۲۰/۸۰	۲۳/۲	۱۸/۴	۲۱/۴۵	۲۳/۹	۱۹	۲۰/۴۵	۲۲/۸	۱۸/۱
عرب (خوزستان)	۲۲/۴۵	۲۴/۷	۲۰/۲	۲۳/۳۵	۲۵/۵	۲۱/۲	۲۰/۸۵	۲۳/۱	۱۸/۶
کل کشور	۲۱/۹۵	۲۴/۲	۱۹/۷	۲۲/۸۰	۲۵/۳	۲۰/۳	۲۰/۹۵	۲۲/۸	۱۹/۱

مآخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران.
همانطور که در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود، در سرشماری ۱۳۶۵، بیشترین میانگین سن ازدواج، مربوط به قوم عرب با ۲۲/۰ سال و کمترین میانگین را قوم بلوچ با ۲۰/۴۵ سال داشته است. البته در مناطق شهری هم چنین وضعیتی قابل ملاحظه است؛ یعنی قوم عرب با ۲۲/۶۵ سال بیشترین میانگین را نسبت به سایر اقوام داشته و قوم بلوچ با ۲۰/۵۵ سال کمترین میانگین را نسبت به سایر اقوام داشته‌اند. اما در مناطق روستایی، بیشترین میانگین سن ازدواج را قوم کرد با ۲۱/۴۵ سال و قوم بلوچ با ۲۰/۳۰ سال کمترین میانگین را نسبت به سایر اقوام داشته‌اند. پس در مجموع قوم بلوچ، کمترین میانگین سن ازدواج را نسبت به سایر اقوام داشته است. همچنین میانگین سن ازدواج در نزد مردان در مقایسه با زنان بیشتر بوده و از طرف دیگر، این شاخص در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر بوده است؛ اما تفاوت معنی‌داری بین محل سکونت و سن ازدواج وجود ندارد. آزمون تفاوت نمره میانگین سن ازدواج این اقوام ایرانی را بر حسب جنسیت و محل سکونت به خوبی نشان می‌دهد. در این جدول، میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۳/۱۹ و ۱۹/۵۴ سال می‌باشد و این تفاوت با

سطح معنی داری $Sig=0/000$ معنی دار بوده است. میانگین سن ازدواج برای مناطق شهری و روستایی در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۱/۷۸ و ۲۰/۹۰ می باشد و این تفاوت با سطح معنی داری $Sig=0/249$ معنی دار نبوده است.

جدول ۲. میانگین سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی به تفکیک جنس و محل سکونت - سال ۱۳۶۵.

روستایی			شهری			کل			مناطق
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	جنس قومیت
۱۸/۸	۲۲/۴	۲۰/۰۶	۱۸/۷	۲۳/۱	۲۰/۹۰	۱۸/۷	۲۲/۹	۲۰/۸۰	فارس (یزد)
۱۹/۹	۲۲/۵	۲۱/۲۰	۲۰/۴	۲۴/۶	۲۲/۵۰	۲۰/۱	۲۳/۷	۲۱/۹۰	ترک (آذربایجان شرقی)
۱۸/۸	۲۲/۵	۲۰/۶۵	۱۹/۹	۲۳/۸	۲۱/۸۵	۱۹/۴	۲۳/۲	۲۱/۳۰	لر (لرستان)
۱۹/۸	۲۳/۱	۲۱/۴۵	۲۰/۱	۲۳/۷	۲۱/۹۰	۲۰	۲۳/۴	۲۱/۷۰	کرد (کردستان)
۱۸/۶	۲۲	۲۰/۳۰	۱۸/۴	۲۲/۷	۲۰/۵۵	۱۸/۵	۲۲/۴	۲۰/۴۵	بلوچ (بلوچستان)
۱۹/۳	۲۲/۵	۲۰/۹۰	۲۰/۸	۲۴/۵	۲۲/۶۵	۲۰/۲	۲۳/۸	۲۲/۰	عرب (خوزستان)
۱۹/۸	۲۲/۶	۲۱/۲۰	۲۰/۲	۲۴/۱	۲۲/۱۵	۲۰/۱	۲۳/۵	۲۱/۸۰	کل کشور

مآخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران.

همانطور که در جدول شماره (۳) ملاحظه می شود، در سرشماری ۱۳۷۵، بیشترین میانگین سن ازدواج مربوط به قوم عرب با ۲۳/۹۰ سال بوده و کمترین میانگین را قوم بلوچ با ۲۲/۱۵ سال داشته است. البته در مناطق شهری هم چنین وضعیتی قابل ملاحظه است؛ یعنی به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین سن ازدواج را نسبت به سایر اقوام، اقوام عرب (۲۴/۳۰ سال) و بلوچ (۲۲/۴۵ سال) بخود اختصاص داده اند. اما در مناطق روستایی، بیشترین میانگین سن ازدواج را قوم لر با ۲۳/۳۵ سال و قوم بلوچ با ۲۱/۹۰ سال کمترین میانگین را نسبت به سایر اقوام داشته اند. پس، در مجموع قوم بلوچ، کمترین میانگین سن ازدواج را نسبت به سایر اقوام داشته است. همچنین، میانگین سن ازدواج در نزد مردان در مقایسه با زنان بیشتر بوده و از طرف دیگر، این شاخص در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر بوده است؛ اما تفاوت معنی داری بین محل سکونت و سن ازدواج وجود ندارد. آزمون تفاوت نمره میانگین سن ازدواج این اقوام ایرانی را بر حسب جنسیت و محل سکونت به خوبی نشان می دهد. در این جدول، میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۴/۸۴ و ۲۱/۷۲ سال می باشد و این تفاوت با سطح معنی داری $Sig=0/000$ معنی دار بوده است. میانگین سن ازدواج برای مناطق شهری و روستایی در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۳/۵۸ و ۲۲/۹۵ سال می باشد و این تفاوت با سطح معنی داری $Sig=0/343$ معنی دار نبوده است.

جدول ۳. میانگین سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی به تفکیک جنس و محل سکونت - سال ۱۳۷۵.

روستایی			شهری			کل			مناطق
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	جنس قومیت
۲۱/۴	۲۴/۵	۲۲/۹۵	۲۰/۷	۲۵	۲۲/۸۵	۲۰/۹	۲۴/۸	۲۲/۸۵	فارس (یزد)
۲۲/۴	۲۳/۹	۲۳/۱۵	۲۲/۴	۲۶/۲	۲۴/۳۰	۲۲/۳	۲۵/۴	۲۳/۸۵	ترک (آذربایجان شرقی)
۲۲	۲۴/۷	۲۳/۳۵	۲۲/۴	۲۵/۶	۲۴/۰	۲۲/۲	۲۵/۲	۲۳/۷۰	لر (لرستان)
۲۱/۸	۲۴	۲۲/۹۰	۲۱/۶	۲۵	۲۳/۳۰	۲۱/۷	۲۴/۶	۲۳/۱۵	کرد (کردستان)
۲۰/۴	۲۳/۴	۲۱/۹۰	۲۰/۶	۲۴/۳	۲۲/۴۵	۲۰/۵	۲۳/۸	۲۲/۱۵	بلوچ (بلوچستان)
۲۱/۸	۲۴/۶	۲۳/۲۰	۲۲/۵	۲۶/۱	۲۴/۳۰	۲۲/۳	۲۵/۵	۲۳/۹۰	عرب (خوزستان)
۲۲/۲	۲۴/۲	۲۳/۲۰	۲۲/۱	۲۵/۷	۲۳/۹۰	۲۲/۱	۲۵/۲	۲۳/۶۵	کل کشور

مآخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران.

همانطور که در جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود، در سرشماری ۱۳۸۵، بیشترین میانگین سن ازدواج مربوط به قوم لر با ۲۵/۷۵ سال بوده و کمترین میانگین را قوم بلوچ با ۲۳/۴۰ سال داشته است. البته در مناطق شهری و روستایی هم وضعیت به همین صورت است، به گونه‌ای که در مناطق شهری قوم لر با ۲۵/۸۵ سال بیشترین میانگین را داشته و قوم بلوچ با ۲۳/۵۵ سال کمترین میانگین را بخود اختصاص داده است، همچنین در مناطق روستایی، به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین سن ازدواج را اقوام لر (۲۵/۷۰ سال) و بلوچ (۲۳/۲۵ سال) نسبت به سایر اقوام داشته‌اند. پس در مجموع، قوم لر بیشترین میانگین سن ازدواج و قوم بلوچ کمترین میانگین را نسبت به سایر اقوام داشته‌اند. همچنین، میانگین سن ازدواج در نزد مردان در مقایسه با زنان بیشتر بوده و از طرف دیگر، این شاخص در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر بوده است؛ منتها تفاوت معنی‌داری بین محل سکونت و سن ازدواج وجود ندارد.

آزمون تفاوت نمره میانگین سن ازدواج این اقوام ایرانی را بر حسب جنسیتو محل سکونت به خوبی نشان می‌دهد. در این جدول، میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۶/۰۸ و ۲۳/۳۴ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=0/000$ معنی‌دار بوده است. میانگین سن ازدواج برای مناطق شهری و روستایی در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۴/۸۷ و ۲۴/۵۲ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=0/566$ معنی‌دار نبوده است.

جدول ۴. میانگین سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی به تفکیک جنس و محل سکونت - سال ۱۳۸۵.

روستایی			شهری			کل			مناطق
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	جنس قومیت
۲۲/۵	۲۵/۶	۲۴/۰۵	۲۲/۱	۲۵/۷	۲۳/۹۰	۲۲/۲	۲۵/۷	۲۳/۹۵	فارس (یزد)
۲۳/۵	۲۵/۵	۲۴/۵۰	۲۳/۷	۲۷/۲	۲۵/۴۵	۲۳/۶	۲۶/۷	۲۵/۱۵	ترک (آذربایجان شرقی)
۲۴/۶	۲۶/۸	۲۵/۷۰	۲۴/۵	۲۷/۲	۲۵/۸۵	۲۴/۵	۲۷	۲۵/۷۵	لر (لرستان)
۲۳/۴	۲۵/۴	۲۴/۴۰	۲۳/۳	۲۶/۲	۲۴/۷۵	۲۳/۳	۲۵/۹	۲۴/۶۰	کرد (کردستان)
۲۲/۲	۲۴/۳	۲۳/۲۵	۲۲/۲	۲۴/۹	۲۳/۵۵	۲۲/۲	۲۴/۶	۲۳/۴۰	بلوچ (بلوچستان)
۲۴	۲۶/۳	۲۵/۱۵	۲۴/۱	۲۷/۲	۲۵/۶۵	۲۴	۲۷	۲۵/۵۰	عرب (خوزستان)
۲۳/۶	۲۵/۶	۲۴/۶۰	۲۳/۴	۲۶/۶	۲۵/۰	۲۳/۴	۲۶/۳	۲۴/۸۵	کل کشور

مآخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران.

همانطور که در جدول شماره (۵) ملاحظه می‌شود، در سرشماری ۱۳۹۰، بیشترین میانگین سن ازدواج مربوط به قوم لر با ۲۶/۲۵ سال بوده و کمترین میانگین را قوم فارس با ۲۳/۸۰ سال داشته است. البته در مناطق شهری هم چنین وضعیتی قابل ملاحظه است؛ یعنی به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین سن ازدواج را نسبت به سایر اقوام، اقوام لر (۲۶/۴۵ سال) و فارس (۲۳/۸۰ سال) بخود اختصاص داده‌اند. اما در مناطق روستایی، بیشترین میانگین سن ازدواج را قوم لر با ۲۵/۹۵ سال و قوم فارس با ۲۳/۵۵ سال کمترین میانگین را نسبت به سایر اقوام داشته‌اند. پس در مجموع، قوم لر بیشترین میانگین سن ازدواج و قوم بلوچ کمترین میانگین را نسبت به سایر اقوام داشته‌اند. همچنین، میانگین سن ازدواج در نزد مردان در مقایسه با زنان بیشتر بوده و همین که این شاخص در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر بوده است؛ منتها تفاوت معنی‌داری بین محل سکونت و سن ازدواج وجود ندارد. آزمون تفاوت نمره میانگین سن ازدواج این اقوام ایرانی را بر حسب جنسیتو محل سکونت به خوبی نشان می‌دهد. در این جدول، میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۶/۳۸ و ۲۳/۴۱ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=0/000$ درصد معنی‌دار بوده است. میانگین سن ازدواج برای مناطق شهری و روستایی در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۵/۱۵ و ۲۴/۵۷ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=0/396$ معنی‌دار نبوده است.

جدول ۵. میانگین سن ازدواج در بین اقوام مختلف ایرانی به تفکیک جنس و محل سکونت - سال ۱۳۹۰.

روستایی			شهری			کل			مناطق
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	جنس قومیت
۲۱/۶	۲۵/۵	۲۳/۵۵	۲۱/۹	۲۵/۷	۲۳/۸۰	۲۱/۹	۲۵/۷	۲۳/۸۰	فارس (یزد)
۲۲/۶	۲۵/۵	۲۴/۰۵	۲۳/۴	۲۷/۴	۲۵/۴۰	۲۳/۱	۲۶/۸	۲۴/۹۵	ترک (آذربایجان شرقی)
۲۴/۸	۲۷/۱	۲۵/۹۵	۲۵	۲۷/۹	۲۶/۴۵	۲۴/۹	۲۷/۶	۲۶/۲۵	لر (لرستان)
۲۳/۹	۲۶/۱	۲۵/۰	۲۳/۶	۲۶/۶	۲۵/۱۰	۲۳/۷	۲۶/۵	۲۵/۱۰	کرد (کردستان)
۲۲/۸	۲۴/۷	۲۳/۷۵	۲۳	۲۵/۳	۲۴/۱۵	۲۲/۹	۲۵	۲۳/۹۵	بلوچ (بلوچستان)
۲۴	۲۶/۴	۲۵/۳۰	۲۴/۲	۲۷/۴	۲۵/۸۰	۲۴/۱	۲۷/۱	۲۵/۶۰	عرب (خوزستان)
۲۳/۲	۲۵/۹	۲۴/۵۵	۲۳/۷	۲۷/۱	۲۵/۴۰	۲۳/۵	۲۶/۸	۲۵/۱۵	کل کشور

مأخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران. به طور کلی در جدول شماره ۶، طی سرشماری‌های ۹۰-۱۳۵۵ میانگین سن ازدواج برای مناطق شهری و روستایی در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۳/۵۷ و ۲۲/۷۶ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $Sig=0/048$ معنی‌دار بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که شهرنشینی به عنوان یکی از شاخص‌های مدرنیزاسون، تأثیر قابل ملاحظه‌ای را در تحولات سن ازدواج این اقوام، مخصوصاً برای مردان آنها طی سال‌های مختلف مذکور داشته است.

جدول ۶. آزمون تفاوت میانگین سن ازدواج اقوام مختلف ایرانی بر حسب محل سکونت و جنسیت، سال‌های ۹۰-۱۳۵۵.

سال	متغیر	میانگین	انحراف معیار	فراوانی	T	Sig
۱۳۵۵	محل سکونت	شهری	۲۲/۴۵	۲/۶۱	۱۴	۰/۰۹۸
	روستایی	۲۰/۸۵	۲/۲۸	۱۴		
	جنسیت	مرد	۲۳/۹۳	۰/۹۸	۲۱	۰/۰۰۰
		زن	۱۹/۳۵	۰/۸۶	۲۱	
۱۳۶۵	محل سکونت	شهری	۲۱/۷۸	۲/۲۱	۱۴	۰/۲۴۹
	روستایی	۲۰/۹۰	۱/۷۳	۱۴		
	جنسیت	مرد	۲۳/۱۹	۰/۷۳	۲۱	۰/۰۰۰
		زن	۱۹/۵۴	۰/۷۲	۲۱	
۱۳۷۵	محل سکونت	شهری	۲۳/۵۸	۲/۰۳	۱۴	۰/۳۴۳
	روستایی	۲۲/۹۵	۱/۳۹	۱۴		
	جنسیت	مرد	۲۴/۸۴	۰/۷۵	۲۱	۰/۰۰۰
		زن	۲۱/۷۲	۰/۷۰	۲۱	
۱۳۸۵	محل سکونت	شهری	۲۴/۸۷	۱/۸۲	۱۴	۰/۵۶۶
	روستایی	۲۴/۵۲	۱/۳۹	۱۴		
	جنسیت	مرد	۲۶/۰۸	۰/۸۶	۲۱	۰/۰۰۰
		زن	۲۳/۳۴	۰/۸۲	۲۱	

ادامه جدول ۶. آزمون تفاوت میانگین سن ازدواج اقوام مختلف ایرانی بر حسب محل سکونت و جنسیت، سال‌های ۹۰-۱۳۵۵.

Sig	T	فرآوری	انحراف معیار	میانگین	متغیر		سال
					محل	سکونت	
۰/۳۹۶	۰/۸۶۳	۱۴	۱/۹۱	۲۵/۱۵	شهری	محل سکونت	۱۳۹۰
		۱۴	۱/۶۲	۲۴/۵۷	روستایی		
۰/۰۰۰	۱۰/۳۴	۲۱	۰/۹۰	۲۶/۳۸	مرد	جنسیت	
		۲۱	۰/۹۴	۲۳/۴۱	زن		
۰/۰۴۸	۱/۹۹	۷۰	۲/۴۶	۲۳/۵۷	شهری	محل سکونت	۱۳۵۵-۹۰
		۷۰	۲/۳۵	۲۲/۷۶	روستایی		
۰/۰۰۰	۱۴/۲۶	۱۰۵	۱/۴۸	۲۴/۸۸	مرد	جنسیت	
		۱۰۵	۱/۹۴	۲۱/۴۷	زن		

همانطور که در جدول شماره (۷) ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۶۵، میانگین سن ازدواج در این اقوام ایرانی بر حسب جنسیت و تحصیلات در نزد مردان در مقایسه با زنان آنان بیشتر بوده و در بین افراد باسواد نسبت به افراد بیسواد بیشتر می‌باشد. در جدول (۱۱) میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۲/۸۸ و ۱۹/۴۰ سال و این تفاوت با سطح معنی‌داری $Sig=0/000$ معنی‌دار بوده است. میانگین سن ازدواج برای افراد باسواد و بیسواد در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۲/۲۰ و ۲۰/۰۹ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $Sig=0/007$ معنی‌دار بوده است. بنابراین در این سرشماری، می‌توان گفت که تحصیلات بر سن ازدواج این اقوام ایرانی تأثیر داشته است.

جدول ۷. میانگین سن ازدواج برای مناطق کل در بین اقوام مختلف ایرانی بر حسب تحصیلات به تفکیک جنس، سال ۱۳۶۵.

مناطق						تحصیلات
کل						
بیسواد			باسواد			جنسیت
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	
۱۷/۶	۲۱/۸	۱۹/۷۰	۱۸/۷	۲۳/۳	۲۱/۰	فارس (یزد)
۱۹/۱	۲۱/۴	۲۰/۲۵	۲۱/۰	۲۴/۷	۲۲/۸۵	ترک (آذربایجان شرقی)
۱۸/۲	۲۱/۵	۱۹/۸۵	۲۰/۵	۲۴/۲	۲۲/۳۵	لر (لرستان)
۱۹/۴	۲۲/۶	۲۱/۰	۲۱/۰	۲۴/۲	۲۲/۶۰	کرد (کردستان)
۱۷/۷	۲۱/۳	۱۹/۵۰	۱۹/۶	۲۳/۲	۲۱/۴۰	بلوچ (بلوچستان)
۱۸/۷	۲۱/۸	۲۰/۲۵	۲۰/۹	۲۴/۶	۲۲/۷۵	عرب (خوزستان)
۱۸/۶	۲۱/۶	۲۱/۱۰	۲۰/۷	۲۴/۲	۲۲/۴۵	کل کشور

مآخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران.

همانطور که در جدول شماره (۸) ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۷۵، میانگین سن ازدواج در این اقوام ایرانی بر حسب جنسیت و تحصیلات در نزد مردان در مقایسه با زنان آنان بیشتر بوده و در بین افراد باسواد نسبت به افراد بیسواد بیشتر می‌باشد. در جدول (۱۱)، میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۴/۰۵ و ۲۱/۰۲ سال و این تفاوت با سطح معنی‌داری $Sig=0/000$ معنی‌دار بوده است. میانگین سن ازدواج برای افراد باسواد و بیسواد در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۳/۶۳ و ۲۱/۴۴ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $Sig=0/002$ معنی‌دار بوده است. بنابراین در این سرشماری، می‌توان گفت که تحصیلات بر سن ازدواج این اقوام ایرانی تأثیر داشته است.

جدول ۸. میانگین سن ازدواج برای مناطق کل در بین اقوام مختلف ایرانی بر حسب تحصیلات به تفکیک جنس، سال ۱۳۷۵.

کل						مناطق
بیسواد			باسواد			تحصیلات
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	جنسیت قومیت
۱۹/۰	۲۳/۶	۲۱/۳۰	۲۰/۹	۲۴/۹	۲۲/۹۰	فارس (یزد)
۲۰/۳	۲۲/۷	۲۱/۵۰	۲۲/۶	۲۵/۶	۲۴/۱۰	ترک (آذربایجان شرقی)
۲۰/۱	۲۲/۸	۲۱/۴۵	۲۲/۷	۲۵/۵	۲۴/۱۰	لر (لرستان)
۲۰/۱	۲۲/۸	۲۱/۴۵	۲۲/۳	۲۴/۷	۲۳/۵۰	کرد (کردستان)
۱۹/۱	۲۲/۰	۲۰/۵۵	۲۱/۵	۲۴/۴	۲۲/۹۵	بلوچ (بلوچستان)
۲۰/۶	۲۳/۶	۲۲/۱۰	۲۲/۶	۲۵/۷	۲۴/۱۵	عرب (خوزستان)
۲۰/۳	۲۳/۲	۲۱/۷۵	۲۲/۲	۲۵/۳	۲۳/۷۵	کل کشور

مآخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران. همانطور که در جدول شماره (۹) ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۸۵، میانگین سن ازدواج در این اقوام ایرانی بر حسب جنسیت و تحصیلات در نزد مردان در مقایسه با زنان آنان بیشتر بوده و در بین افراد باسواد نسبت به افراد بیسواد بیشتر می‌باشد. در جدول (۱۱)، میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۵/۶۲ و ۲۲/۵۲ سال و این تفاوت با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=0/000$ معنی‌دار بوده است. میانگین سن ازدواج برای افراد باسواد و بیسواد در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۴/۸۵ و ۲۳/۳۰ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=0/030$ معنی‌دار بوده است. بنابراین در این سرشماری، می‌توان گفت که تحصیلات بر سن ازدواج این اقوام ایرانی تأثیر داشته است.

جدول ۹. میانگین سن ازدواج برای مناطق کل در بین اقوام مختلف ایرانی بر حسب تحصیلات به تفکیک جنس، سال ۱۳۸۵.

کل						مناطق
بیسواد			باسواد			تحصیلات
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	جنسیت قومیت
۲۰/۴	۲۴/۹	۲۲/۶۵	۲۲/۲	۲۵/۷	۲۳/۹۵	فارس (یزد)
۲۲/۱	۲۴/۹	۲۳/۵۰	۲۳/۶	۲۶/۷	۲۵/۱۵	ترک (آذربایجان شرقی)
۲۲/۶	۲۵/۶	۲۴/۱۰	۲۴/۵	۲۷/۱	۲۵/۸۰	لر (لرستان)
۲۱/۱	۲۵/۰	۲۳/۰۵	۲۳/۵	۲۶/۰	۲۴/۷۵	کرد (کردستان)
۲۰/۹	۲۳/۵	۲۲/۲۰	۲۲/۸	۲۴/۸	۲۳/۸۰	بلوچ (بلوچستان)
۲۲/۴	۲۶/۱	۲۴/۲۵	۲۴/۱	۲۷/۰	۲۵/۵۵	عرب (خوزستان)
۲۱/۷	۲۵/۰	۲۳/۳۵	۲۳/۵	۲۶/۴	۲۴/۹۵	کل کشور

مآخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران. همانطور که در جدول شماره (۱۰) ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۹۰، میانگین سن ازدواج در این اقوام ایرانی بر حسب جنسیت در نزد مردان در مقایسه با زنان آنان بیشتر بوده، اما بر حسب تحصیلات، در بین افراد باسواد نسبت به افراد بیسواد اختلاف چندانی چشمگیری به نظر نمی‌رسد، به طوری که بین تحصیلات و سن ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در جدول (۱۱)، میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۶/۲۵ و ۲۲/۹۷ سال و این تفاوت با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=0/000$ معنی‌دار بوده است. میانگین سن ازدواج برای افراد باسواد و بیسواد در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۴/۹۴ و ۲۴/۲۸ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $\text{Sig}=0/362$ معنی‌دار نبوده است. بنابراین، می‌توان گفت که تحصیلات در این

سرشماری، چندان تأثیر چشمگیری بر سن ازدواج این اقوام ایرانی نداشته است، بلکه عواملی همچون بیکاری و تحولات وضعیت اشتغالی که مخصوصاً بعد از سال ۱۳۸۵ در سراسر کشور حاکم شد؛ از جمله دلایلی بر تحولات سن ازدواج این اقوام ایرانی دانست.

جدول ۱۰. میانگین سن ازدواج برای مناطق کل در بین اقوام مختلف ایرانی بر حسب تحصیلات به تفکیک جنس، سال ۱۳۹۰.

کل						مناطق
بیسواد			باسواد			تحصیلات
زن	مرد	مرد و زن	زن	مرد	مرد و زن	جنسیت قومیت
۲۱/۶	۲۶/۴	۲۴/۰	۲۱/۹	۲۵/۷	۲۳/۸۰	فارس (یزد)
۲۲/۷	۲۵/۶	۲۴/۱۵	۲۳/۰	۲۶/۸	۲۴/۹۰	ترک (آذربایجان شرقی)
۲۳/۹	۲۶/۵	۲۵/۲۰	۲۴/۷	۲۷/۶	۲۶/۱۵	لر (لرستان)
۲۱/۹	۲۶/۶	۲۴/۲۵	۲۳/۷	۲۶/۵	۲۵/۱۰	کرد (کردستان)
۲۲/۳	۲۴/۴	۲۳/۳۵	۲۲/۸	۲۵/۱	۲۳/۹۵	بلوچ (بلوچستان)
۲۳/۱	۲۶/۴	۲۴/۷۵	۲۳/۹	۲۷/۲	۲۵/۵۵	عرب (خوزستان)
۲۲/۷	۲۵/۹	۲۴/۳۰	۲۳/۵	۲۶/۸	۲۵/۱۵	کل کشور

مآخذ: پردازش بر مبنای نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، شش استان منتخب - مرکز آمار ایران.

به طور کلی در جدول شماره ۱۱، طی سرشماری‌های ۹۰-۱۳۶۵ میانگین سن ازدواج برای افراد باسواد و بیسواد در این اقوام ایرانی به ترتیب ۲۳/۹۰ و ۲۲/۲۸ سال می‌باشد و این تفاوت با سطح معنی‌داری $Sig=0/000$ معنی‌دار بوده است. در مجموع، می‌توان گفت که تحصیلات به عنوان یکی از شاخص‌های مدرنیزاسیون در طی سال‌های مختلف مذکور، تأثیر قابل ملاحظه‌ای را در تحولات سن ازدواج این اقوام ایرانی داشته است.

جدول ۱۱. آزمون تفاوت میانگین سن ازدواج اقوام مختلف ایرانی بر حسب تحصیلات و جنسیت، سال‌های ۹۰-۱۳۶۵.

Sig	T	فرآوانی	انحراف معیار	میانگین	متغیر		سال	
					تحصیلات	جنسیت		
0/007	۲/۹۰	۱۴	۲/۰۵	۲۲/۲۰	باسواد	تحصیلات	۱۳۶۵	
					بیسواد			
0/000	۷/۲۴	۱۴	۱/۳۱	۲۲/۸۸	مرد	جنسیت		
					زن			
0/002	۳/۴۶	۱۴	۱/۶۷	۲۳/۶۳	باسواد	تحصیلات		۱۳۷۵
					بیسواد			
0/000	۶/۳۱	۱۴	۱/۲۵	۲۴/۰۵	مرد	جنسیت		
					زن			
0/030	۲/۲۹	۱۴	۱/۶۳	۲۴/۸۵	باسواد	تحصیلات	۱۳۸۵	
					بیسواد			
0/000	۷/۲۷	۱۴	۱/۰	۲۵/۶۲	مرد	جنسیت		
					زن			
0/362	0/927	۱۴	۱/۸۴	۲۴/۹۴	باسواد	تحصیلات		۱۳۹۰
					بیسواد			
0/000	۹/۹۷	۱۴	0/۸۴	۲۶/۲۵	مرد	جنسیت		
					زن			

۰/۰۰۰	۳/۸۱	۵۶	۲/۰۸	۲۳/۹۰	باسواد	تحصیلات	۱۳۶۵-۹۰
		۵۶	۲/۴۱	۲۲/۲۸	بیسواد		
۰/۰۰۰	۹/۶۳	۵۶	۱/۷۱	۲۴/۷۰	مرد	جنسیت	
		۵۶	۱/۸۱	۲۱/۴۸	زن		

بحث و نتیجه گیری

فرایند تشکیل خانواده و ازدواج به عنوان یکی از مراحل اساسی زندگی افراد در جامعه و تأثیرگذار بر روی سایر فرایندها و پدیده‌های جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد علاقه و توجه محققین رشته‌های مختلف علوم اجتماعی بوده است. جمعیت‌شناسان، ازدواج را به عنوان یکی از وقایع حیاتی و پدیده‌ای تأثیرگذار بر روی سه فرایند مهم جمعیتی یعنی باروری، مرگ و میر و مهاجرت مورد مطالعه قرار می‌دهند. نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در زندگی افراد و با توجه به افزایش نسبت افراد واجد شرایط برای ازدواج در جمعیت کنونی کشور، مطالعه تحولات سن ازدواج نه تنها در کشور بلکه در بین اقوام مختلف ایرانی هم از بعد علمی و هم از بعد کاربردی در برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، ملیو محلی اهمیت به‌سزایی دارد. نتایج نشان می‌دهد، بین قومیت و سن ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود ندارد که این با نتایج تحقیقات داخلی (ضرابی و مصطفوی، محمودیان و کاظمی پور) و تحقیقات خارجی (هیرشمن و ریندفوس، مالهوترا و تسوی، نگاین و لانگ وئو) ناهمسو است؛ شاید در اینجا بتوان گفت که قومیت‌ها، در این سال‌ها بیشتر به همگرایی گرایش پیدا کردند تا بیش از آنکه از اثر تفاوت‌های فرهنگی‌شان نشأت گرفته باشند. همچنین، بیشترین میانگین سن ازدواج را در سال‌های ۷۵ - ۱۳۵۵ قوم عرب و کمترین میانگین را در این سال‌ها قوم بلوچ بخود اختصاص داده و در سال‌های ۹۰ - ۱۳۸۵ بیشترین میانگین سن ازدواج را قوم لر و کمترین میانگین را در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب اقوام بلوچ و فارس بخود اختصاص داده‌اند. از طرفی، میانگین سن ازدواج در کلیه این اقوام ایرانی، در بین مردان نسبت به زنان بیشتر بوده و همین که این شاخص در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر بوده است. به طوری که نتایج نشان می‌دهد بین محل سکونت و سن ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود دارد که این با نتایج تحقیقات داخلی (محمودیان و کاظمی پور) و تحقیقات خارجی (کیلی، نگاین، لانگ وئو و کارمیچل) همسواست؛ اما با نتایج تحقیقات داخلی ضرابی و مصطفوی ناهمسواست. شاید در اینجا بتوان اثر قوی ترشهرنشینی بر سن ازدواج مردان نسبت به زنان را در این اقوام ایرانی تا حدی زیادی ناشی از تحولات وضعیت اشتغال و بیکاری دانست. از طرفی هم، می‌توان گفت که توسعه وسایل ارتباط جمعی، افزایش میزان سواد و تحصیلات دختران در روستاها، کم شدن میزان باروری و بعد خانوار، بهبود وضع اقتصادی روستائیان و مهاجرت پسران جوان به شهرها و کم شدن شانس ازدواج دختران روستائیان از عوامل عمده نزدیک شدن میانگین سن ازدواج دختران روستائیان به دختران شهرنشین در این اقوام ایرانی مخصوصاً بعد از سال ۱۳۶۵ به شمار می‌روند. ضمناً، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین سن ازدواج و تحصیلات تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به طوری که تحصیلات، به عنوان یکی از شاخص‌های اجتماعی مدرنیزاسیون، تأثیر قابل ملاحظه‌ای را طی سال‌های ۹۰ - ۱۳۶۵ داشته و سبب گردیده تا سن ازدواج در بین افراد باسواد نسبت به افراد بیسواد بیشتر شده باشد که این با نتایج تحقیقات داخلی قبلی و تحقیقات خارجی (کیلی، نگاین، لانگ وئو، اداریو و کارمیچل) همسو است. البته متوسط سن ازدواج در ایران برای مردان از ۲۴/۲ در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۸ در سال ۱۳۹۰ و برای زنان از ۱۹/۷ سال به ۲۳/۵ سال در این مدت افزایش یافته است. همچنین، نکته‌ای که در این مقاله می‌توان به آن اشاره نمود این است که میانگین سن ازدواج در قوم لر نسبت به سایر اقوام، مخصوصاً طی سالهای اخیر (۹۰ - ۱۳۸۵) افزایش قابل ملاحظه‌ای را داشته است، که دلیل آن احتمالاً بیشتر به دلیل بیکاری بالا در این قومیت است؛ چرا که بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، استان لرستان به عنوان یک قوم لر، در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب با نرخ بیکاری ۱۹/۹ و ۱۵/۴ درصد بیشترین نرخ بیکاری را نسبت به سایر این اقوام ایرانی (سایر استانها) داشته است. افزایش بیکاری در این قومیت سبب گردیده تا خیلی از جوانان از روی آوردن به ازدواج خودداری نمایند و با توجه به ارتباط تنگاتنگی که بین سن ازدواج با باروری وجود دارد، می‌توان طی سال‌های آتی این انتظار را داشت که جمعیت

این استان روبه کاهش رود، به گونه‌ای که این استان در سال ۱۳۹۲، به عنوان یک قوم لر، با نرخ بیکاری ۱۹/۸ درصد، بالاترین نرخ بیکاری را نسبت به سایر استانها و با نرخ رشد جمعیت ۰/۴۴ درصد، کمترین نرخ رشد جمعیت را نسبت به این اقوام ایرانی داشته است. بر این اساس، از یافته‌های به دست آمده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سن ازدواج علاوه بر محل سکونت و تحصیلات، از عوامل اقتصادی نظیر بیکاری و اشتغال هم تأثیر می‌پذیرد.

منابع و مآخذ

۱. آستین فشان، پروانه (۱۳۸۰). « بررسی روند تحولات سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵ ». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۲. جعفری؛ مقدس، چوبری یعقوبی؛ علی (۱۳۸۶). « بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج جوانان در رشت »، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی واحد شوشتر، شماره چهارم و پنجم، صص ۲۰۱ - ۱۷۷.
۳. زنجانی، حبیب الله و دیگران (۱۳۷۸). « جمعیت، توسعه و بهداشت باروری »، تهران: انتشارات بشری. چاپ اول.
۴. شیخی، محمد تقی (۱۳۷۷). « مبانی و مفاهیم جمعیت‌شناسی »، تهران: انتشارات سهامی، چاپ اول.
۵. ضرابی؛ وحید، مصطفوی؛ سید فرخ (۱۳۹۰)، « بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی »، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۶۴ - ۳۳.
۶. عباسی شوازی، محمد جلال؛ صادقی، رسول (۱۳۸۴). « قومیت و الگوهای ازدواج در ایران »، پژوهش زنان، دوره سوم، شماره ۱۱. صص ۴۸ - ۲۵.
۷. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). « تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن »، پژوهش زنان، شماره ۱۰، صص ۱۲۴-۱۰۳.
۸. کنعانی، محمدمبین (۱۳۸۵). « پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج. نمونه موردی مطالعه ترکمن‌ها ». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال اول، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۴.
۹. لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). « درآمدی بر مطالعات جمعیتی »، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. محمودیان، حسین (۱۳۸۳). « سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان »، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۵۳ - ۲۷.
۱۱. مطلق، محمد (۱۳۸۴). « نگاهی به پدیده ازدواج جوانان »، روزنامه همشهری، ۲۹ مرداد.
12. Adarabioyo. M.I, Awe, O.O, Lawal, F.k. (2012). "Modeling socioeconomic factors affecting age of marriage among females in kogi state, Nigeria". *Mathematical Theory and Modeling*, vol.2, No.2.
13. Becker, Gary S. (1973). "A Theory of Marriage: Part I." *Journal of Political Economy* 81:813-46.
14. Carmichael S. (2011). "Marriage and power: Age at first marriage and spousal age gap in lesser developed countries". *History of the Family* 16; 416-436.
15. Davidw Knox, Caroline Schacht. (2005). *Choices in Relationships*, Thomson Learning. Inc. Thomson Wadsworth, 10 David Drive Belmont, CA 94002- 3098 U.S.
16. Greenhalgh, S. (1988). Fertility as mobility: Sinic Transitions. *Population and Development Review* 14(4): 629-674. doi: 10.2307/1973627.

17. Greenhalgh, S. (1995). *Situating Fertility: Anthropology and Demographic Inquiry*. Cambridge: Cambridge University Press.
18. Goode, W. (1963). *World revolution and family patterns*. New York: The Free Press.
19. Goode, William J. (1982). *The Family*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
20. Ikamari, Lawrence. (2005). "The Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya"; *Demographic Research*, Vol.12, Max Planck Institute for Demographic Research.
21. Keeley, Michael C. (1979). *An Analysis of the Age Pattern of First Marriage*; *International Economic Review*, Vol. 20, No. 2, pp. 527-544.
22. Lesthaeghe, R. (1983). *A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe: An Exploration of Underlying Dimensions*. *Population and Development Review* 9(3): 411-435. doi: [10.2307/1973316](https://doi.org/10.2307/1973316).
23. Lesthaeghe, R. and Surkyn, J. (1988). *Cultural Dynamics and Economic Theories of Fertility Change*. *Population and Development Review* 14(1): 1-45. doi: [10.2307/1972499](https://doi.org/10.2307/1972499).
24. Mcnicoll, G. (1980). "Institutional Determinants of Fertility Change". *Population and Development Review* 6(3): 441-462. doi: [10.2307/1972410](https://doi.org/10.2307/1972410).
25. Mcnicoll, G. (1985). *The Nature of Institutional and Community Effects on Demographic Behaviour: A Discussion*. In: Casterline, J.B. (ed). *The Collection and Analysis of Community Data*. Voorburg: International Statistical Institute: 177-184.
26. Nguyen TB. (2012). "Age at first marriage in recent years Vietnam". *Mediterranean Journal of Social Sciences*; Vol.3 (1): 491-496.
27. VuL. (2012). "Age at first marriage in Vietnam: Trends and determinants". Department of International Health and Development. Tulane University School of Public Health & Tropical Medicine.